

یادداشت

روزگار سپری‌شده دیپلماسی سنتی

مهدی هادیلو*

● آندره مالرو، وزیر فرهنگ ژنرال دوگل، کتاب «ضدخاطرات» را با این جمله شروع می‌کند: «ارزش عمل از آنچه می‌کنیم حاصل می‌شود نه از آنچه می‌گوییم». دستنبایی به رهیافتی واقع‌بینانه و منطقی که ما را به شناخت ظرفیت‌ها و توان واقعی دیپلماسی رهنمون شود، یکی از نیازهای اساسی امروز ماست. و پندار برخی درباره دیپلماسی آمیخته به خیال و افسانه است، سؤال اساسی این است که دیپلماسی تا چه اندازه در تولید و حفظ قدرت و اقتدار راهگشاست و آیا این پیشران سیاست خارجی به‌خودی‌خود قادر به تولید اقتدار ملی است یا این فرایند باید در مجموعه‌ای از کنش و واکنش‌های داخلی و براساس اجماع داخلی شکل بگیرد؟ منشا برداشت‌های غیرواقع‌بینانه از دیپلماسی، ناشی از فهم سنتی مقوله سیاست خارجی و ابزار مهم آن یعنی دیپلماسی است. این فهم سنتی در شناخت سیاست خارجی ما را به بیراهه می‌کشاند؛ بنابراین اگر مبانی اقتدار نوین را بر پایه فهم سنتی استوار کنیم، انتظارات و توقعات ما از دیپلماسی به‌مثابه یک ابزار کارساز و کارا دست‌نیافتنی خواهد بود.

دیپلماسی برخلاف تصور رایج، دیپلماسی امروز، مؤلفه‌ای چندوجهی، متنوع و گوناگون است که ابعاد فراوانی به خود گرفته است، اکنون این واژه فعال و پرانرژی در کنوانسیون وین (۱۸۱۵)، دیگر پیشوند همه فعالیت‌های برون مرزی کشورها و حتی عناصر و عوامل غیردولتی هم شده است؛ از دیپلماسی علمی و فناوری گرفته است تا دیپلماسی پارلمانی، سلامت، توریسم و ...

دیپلماسی در فرایندهای سیاست خارجی نقش پیشران دارد و امروزه با سرعت‌یافتن تحولات و جهش‌های عظیم در تکنولوژی، ارتباطات و خبرسانی، مفهوم و مقوله دیپلماسی بیش از پیش اهمیت یافته است. دیپلماسی با «برقراری ارتباط مناسب و احترام‌آمیز»، تسلط و جهت‌گیری مؤثر از زبان»، «نشان‌دادن اهتمام به درک دیگران» و «اعتماد به منافع و علایق طرف یا طرف‌های دیگر» و «نشان‌دادن برابندی از منافع مشترک» شکل می‌گیرد، قوام می‌یابد و نقش پیشران را در گشایش‌های سیاسی برای کشور ایفا می‌کند. با این حال، دیپلماسی باید مبانی اقتدار و پیش‌روندگی خود را از منابع داخلی کسب کند و از آن انرژی بگیرد، بدون این تعامل، نمی‌توان انتظار داشت که دیپلماسی بتواند به منبعی از قدرت ملی تبدیل شود و برای کشور اعتبار و اقتدار بیافریند.

در دنیای امروز، عناصر و شاکله‌های غیراکتسابی و اکتسابی در ساخت نوین قدرت نقش تعیین‌کننده‌ای دارند؛ عناصر غیراکتسابی در مواهب خدادادی مثل موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی و توپوگرافی زمین خلاصه می‌شوند. عناصر اکتسابی نیز به اجماع نخبگان سیاسی، شهروندان مشارکت‌جو و کنشگر، همبستگی و همکاری قومی، مدنیت دیرپای تاریخی و جغرافیایی همچنین خلاقیت و توان هر جامعه‌ای برای بازتولید عناصر محلی قدرت بستگی دارد. صداالبته در این میان نباید نقش توانمندی نظامی به عنوان مؤلفه‌ای تعیین‌کننده و قوام‌بخش را نادیده گرفت. در بازتعریف سیاست خارجی باید آن را به‌مثابه کوه عظیم یخ شناور بر اقیانوس بین‌المللی تصور کرد که فقط یک هشت‌ساز و عیان و مابقی آن را نظرنا پنهان است. میان این دو سطح عیان و پنهان، یک همبستگی مثبت برقرار است؛ بر اساس همین نسبت هرچه ارتفاع و مساحت سطح آشکار، بزرگ‌تر باشد، بخش پنهان آن بسیار چشمگیرتر خواهد بود. در چنین مدلی همه عناصر همگون هویت‌ساز و قدرت‌ساز، ارتباطی ارگانیک و انضمام‌وار با یکدیگر داشته و اقتدار و اعتبار هر کشور بر اساس همین ارتباط ارگانیک و همکاری همه عناصر مؤثر شکل می‌گیرد. بر اساس همین مدل، می‌توان سیاست خارجی را ادامه سیاست داخلی دانست که لایه بیرونی، رویه لایه‌های پنهان سیاست داخلی محسوب می‌شود. دیپلماسی و سیاست خارجی آیینه‌ای است که تمام اجزای مدنیت و تمدنی هر جامعه‌ای از گذشته تا به امروز، همه توان و استعداد خود را در آن متجلی می‌کند. بنابراین دیپلماسی موفق و کارا، اجماع همه نخبگان سیاسی را می‌طلبد و باید از این زوایه به سیاست خارجی نگریست و با همکاری این حوال محور ارزش‌ها و منافع ملی، دست دیپلماسی را باز گذاشت.

تردیدی نیست که هدف نخبگان سیاسی کشور سربلندی ایران است، اما این هدف باید با ارزش عمل به منصف ظهور برسد. در ریافت جدید علوم سیاسی، گسست واقعی زمانی شروع می‌شود که بخواهیم منابع جدید اقتدار را نادیده بگیریم. باید همواره در نظر داشت که میان ارزش‌ها و منافع ملی با منافع حزبی همواره تعارضی آشتی‌ناپذیر برقرار است.

«کارشناس روابط بین‌الملل

۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، بعد از مدت‌ها حمله مداوم به برجام، رسماً از آن خارج شد و با استفاده از تجربه نظام سنگین تحریم‌های باراک اوباما، ستاد تحریم ایران را با محویت وزارت خارجه دوباره فعال کرد. براین هوک که از دوره ریاست‌جمهوری جورج بوش پسر به‌عنوان دستیار وزیر امور خارجه آمریکا شناخته می‌شود، نقش هماهنگی تحریم‌ها را میان وزارت خزانه‌داری، وزارت خارجه و کاخ سفید برعهده گرفت.

کاخ سفید که می‌دانست برخلاف دوره قبلی تحریم‌ها، با وجود برجام که از حمایت روسیه و چین و اتحادیه اروپا برخوردار است نمی‌تواند علیه ایران اجماع ایجاد کند، نگاهی به همسایگان ایران داشت تا با افزایش فشار بر آنها، مانع همکاری‌شان با ایران شود. با چنین ساستی، کارگزاران منطقه‌ای کاخ سفید تلاش کردند حیدرالعبادی، نخست‌وزیر پیشین عراق را که برای پیروزی فهرستش در انتخابات ۲۰۱۸ پارلمان عراق کار می‌کرد، در سمثش ایفا کنند. حیدرالعبادی نیز برای اعلام همراهی‌اش، ۱۶ مرداد ۱۳۹۷ در جریان یک نشست خبری گفت: «عراق ناگزیر از رعایت و اعمال تصمیمات واشنگتن است و دولت عراق درحال‌حاضر تصمیم گرفته تا برای حفظ منافع خود از تحریم‌های آمریکا تبعیت کند». این اظهارات البته با واکنش‌های زیادی در عراق و ایران روبه‌رو شد؛ اظهاراتی که عبادی هزینه‌اش را با ازدست‌دادن کرسی نخست‌وزیری پرداخت کرد.

اهمیت عراق برای آمریکا دردوره تحریم

از میان همسایگان، به دلایل تاریخی و فرهنگی، ایران گسترده‌ترین رابطه را با عراق دارد و با سرنگونی رژیم‌صدام در سال ۱۳۸۲ دولت‌های عراق رابطه نزدیکی با ایران داشتند. ایران علاوهبر اینکه نخستین کشوری بود که خطر ظهور داعش در عراق را به مقامات بغداد هشدار داد، پیش از سایرین نیز در دفاع عراقی‌ها (کرد و عرب) پیشگام بود. از سوی دیگر نیروهای مردمی عراق همراه با رزمندگان افغانستانی و پاکستانی در کنار نیروهای حزب‌الله و بسیج مردمی سوریه با هماهنگی فرماندهان ایرانی در سوریه علیه داعش و گروه‌های تکفیری مبارزه می‌کنند. علاوه بر روابط سیاسی نزدیک ایران، عراق پس از چین دومین مقصد صادراتی ایران است. براساس آمار گمرک در نیمه نخست ۱۳۹۷، ایرانیان از لحاظ وزنی ۴۵٫۳۲ درصد و از لحاظ ارزشی ۴۴٫۵۸ درصد بیش از سال ۹۶ به عراق کالا صادر کردند که ارزش آن به ۴٫۵ میلیارد دلار رسیده است. همچنین ایران برای عراقی‌ها، نخستین مستقر سفیر است و در هفت‌ماهه امسال حدود دو میلیون عراقی برای زیارت، گردشگری

دیپلماسی

رایزنی‌های آمریکایی برای همراهی عراق با تحریم تهران

العبادی؛ قربانی تحریم‌های ایران

سیدصادق حسینی



ودرمان به ایران آمده‌اند که از این جهت هم درآمد درخور توجهی نصیب ما می‌شود. این دلایل برای آمریکا کافی بود تا در آستانه دور جدید تحریم‌ها، تلاش کند دولتی را در عراق روی کار بیاورد که آشکارا از ایران دور باشد؛ هم در بعد سیاسی و امنیتی و هم در بعد اقتصادی.

ترامپ با گماردن مجدد رابرت مک گورک به‌عنوان فرستاده ویژه از مدت‌ها پیش از انتخابات اردیبهشت ۱۳۹۷ پارلمان عراق و در فرایند دولت‌سازی، تلاش کرد سیاست «دولت دور از ایران» را اجرایی کند. مک گورک به‌همراه داکلاس آلن سیلمان، سفیر آمریکا در بغداد، در این مدت با تمامی گروه‌های عراقی اعم از سنی، شیعه و کرد ملاقات کرد و آنها را به حمایت از نخست‌وزیری مجدد حیدر العبادی فراخواند و هرجا لازم بود از تماس‌های تلفنی و حمایت‌های پمپنو وزیر خارجه آمریکا استفاده کرد. آنها با دنبال‌کردن دوگانه‌سازی کاذب «آنهايي که نزدیک جمهوری اسلامی ایران هستند و مستقلین» عراقی‌ها را تهدید به افشای پرونده‌هایشان کردند و سپس، تهدید داعش را پیش کشیدند.

«غالب الشايدنر»، سیاست‌مدار و تحلیلگر مشهور عراقی، در این‌باره در گفت‌وگو با شبکه سعودی الحدث تأکید کرد: «مک‌گورک از طریق پیام‌های شفاهی و

عراق در نشست خبری مشترک با حسن روحانی، رئیس‌جمهور یپامی را به واشنگتن ارسال کرد که معنی‌اش همراهی بیشتر با ایران بود. او با چهره‌ای خندان به حسن روحانی نگاه کرد و گفت: «امروز پیامی روشن از بغداد آورده‌ام: در عراق اهمیت روابط با جمهوری اسلامی ایران را درک می‌کنیم». او در دیدار با رهبر انقلاب نیز مجدداً تأکید کرد: «من با یک پیام صریح و آشکار به تهران آمده‌ام، عوامل و عناصر پیونددهنده دو ملت ایران و عراق، ریشه در تاریخ دارد و غیر قابل تغییر است». عادل عبدالمهدی نخست‌وزیر عراق نیز دو هفته بعد از آغاز تحریم‌های آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۹۷ با تأکید بر اینکه «به‌طرف آمریکایی گفتمین به ما دستور ندهید»، موضع دولت جدید عراق را چنین توصیف کرد: «در برنامه و شیوه وزارتی تأکید کردیم بخشی از نظام تحریم‌ها نیستیم. اینکه آمریکا تحریم‌هایی را علیه کشور و اشخاصی تحمیل کرده، به خودش مربوط است و سیاست خود آمریکاست، این تصمیم عراق نیست، حتی این تصمیم (آمریکا)، تصمیم بین‌المللی هم نیست. تحریم‌ها مبتنی بر منشور و قطع‌نامه‌های سازمان ملل نیست که عراق بخواد به آن پایبند باشد، ما بخشی از نظام تحریم‌ها نیستیم، ما همچنین بخشی از هیچ تجاوزی علیه هیچ کشوری نیستیم. ما توانستیم این مسئله را به طرف آمریکایی و تمام طرف‌ها تفهیم کنیم».

عمل‌گرایی ایرانی

نگاهی به رویدادهای چند ماه اخیر روشن می‌کند آمریکا که به‌دنبال روی‌کارآوردن یک دولت هماهنگ با واشنگتن و همراه با نظام تحریم‌ها در بغداد بود، نتوانست به هدفش برسد. حیدر العبادی، نخست‌وزیر پیشین عراق، در گفت‌وگوی جدیدش با تلویزیون الشریقه گفته ایران در نخست‌وزیرنشدن من در دور دوم نقش داشت. او بر اهمیت «دولت همراه در بغداد» برای واشنگتن تأیید کرده و دلیل دوباره نخست‌وزیرنشدنش را «پایبندی‌اش به تحریم‌های آمریکا علیه ایران» می‌داند.

از ۱۸ اردیبهشت که ترامپ از برجام خارج شد، شش ماه و از آغاز تحریم‌ها در ۱۳ آبان بیش از یک ماه می‌گذرد. ایران تاکنون توانسته اجماعی بین‌المللی علیه خروج آمریکا از برجام شکل دهد، نوسان نرخ دلار را مهار کند و شیبه نزولی به آن دهد، با فشارهای دیپلماتیک و راینی‌های گسترده فروش نفتش را فعلا حفظ و خریداران عمده نفت را از تحریم آمریکا معاف و اروپا را مجبور به ارائه مکاتسم جدید اقتصادی (SPV) کند و از سوی دیگر با تقویت مناسبات اقتصادی با همسایگان صادراتش را افزایش دهد.

تحلیل حسن لاسجردی، کارشناس مسائل منطقه، از همکاری عراق با ایران در دوران تحریم

دوگانه تهران – واشنگتن در بغداد

در کنار این جمهوری اسلامی در یک دهه گذشته در فرصت‌هایی به عراقی‌ها کمک کرده که شاید کمتر کسی توانایی آن را داشته است. همچنان‌که دولت قبلی هم اذعان کرد که جمهوری اسلامی در رفع خطر داعش اقدامی اساسی کرده و آنها خود را مدیون ایران می‌دانند. آمریکایی‌ها هم به‌جهد تغییروتحولات ساختاری قدرت در عراق و برداشتن صدام حسین و سپس حضور نیروهای مسلح و پایگاه‌های نظامی علاقه‌مند به کار در عراق هستند. همچنان‌که دونالد ترامپ اعلام کرد آمریکا به دنبال برداشتن در همه جاهایی است که به هر دلیلی سرمایه‌گذاری کرده. پس حضور آمریکایی‌ها در عراق فعلی به معنی برداشت و تداوم همکاری‌های اقتصادی با هدف ایجاد ثبات و هزینه‌هایی است که در گذشته کرده‌اند. در این فضا دولت جدید باید اولویت‌های خود را انتخاب کند. با توجه به اینکه هم ایران در عراق اولویت‌ها، قابلیت‌ها و فرصت‌های دارد و هم آمریکا، عراقی‌ها بعد از انتخابات ۲۰۱۸ به دنبال مزیت‌های نسبی دو طرف می‌گردند. پس کاری که گروه جدید انجام می‌دهد این است که بتواند از قابلیت‌های بازبرگان مختلف منطقه برای ساختن عراق جدید استفاده کند.

نکته



عراق تصمیم گرفته بر اساس توان‌ها و مزیت نسبی قدرت‌های منطقه و بین‌المللی اولویت‌هایی در نظر بگیرد و از سبد توانایی‌ها و مزیت نسبی همه برای عراق آینده استفاده کند

ملی حرکت کند و برای رسیدن به این مقصود نباید به سویی متمایل شود؟

در نظام جهانی بعد از نظام دوقطبی آنچه که بیش از همه می‌تواند در انتخاب و حفظ اولویت‌های سیاست خارجی کشورها تعیین‌کننده باشد بحث منافع است. این منافع می‌تواند اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی باشد. گاهی هم می‌تواند منافع ایدئولوژیک باشد. تلاش دولت‌ها در دوره بعد از نظام دوقطبی بهره‌گیری از این منافع در روابط با دیگر کشورهاست. من فکر می‌کنم عراقی‌ها در‌حال‌حاضر بیش از اینکه بخواهند خود را وارد بازی‌های منطقه‌ای دیگران کنند، می‌خواهند بازبرگ باشند. با توجه به اینکه دولت فعلی توانسته ارتش خود را جمع کند و تهدیدها علیه خود را دور کند، شاکله دستگاه مرکزی را نظم بخشد، با فساد

ادامه از صفحه اول

شورای امنیت و آزمایش موشکی ایران

گفته شده ایران قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت را درباره موضوع آزمایش‌های موشکی نقض نکرده؛ بنابراین ایران دراین‌باره به کسی پاسخ‌گو نیست. درحالی‌که طبق منشور ملل متحد، حق تفسیر از هر قطع‌نامه شورای امنیت با خود شورا و عمدتاً با اعضای دائم شورای امنیت است. اگر شرایط عادی بود، یقیناً می‌توانستیم به قطع‌نامه ۲۲۳۱ به طریقی استناد کنیم که از ایران قانوناً و رسماً نخواستسته آزمایش‌های موشکی را متوقف کند؛ اما فراموش نکنیم در یک فضای به‌شدت سیاسی قرار داریم و در شرایط تحریم‌ها و فشارهای سیاسی، چنین امری شذنی نیست. همین که علاوه بر ادعای آمریکا، دو عضو دیگر اعضای دائم شورای امنیت از این آزمایش‌ها ابراز نگرانی کرده و آن را تهدید تلقی می‌کنند، نشان از نوع تفسیر شورای امنیت از قطع‌نامه ۲۲۳۱ است. درست است که چون آمریکا از برجام خارج شده، حق استناد به قطع‌نامه ۲۲۳۱ ندارد؛ زیرا قیلاً آن را قطع‌نامه‌ای ناکافی، ضعیف و مردود دانسته؛ ولی از سوی دیگر این فرانسه و بریتانیا هستند که درخواست تفسیر قطع‌نامه ۲۲۳۱ را از شورای امنیت کرده‌اند. به عبارت دیگر آمریکا خود را پشت سر دو کشور اروپایی پنهان کرده تا هم به‌عنوان یک عضو دائم شورای امنیت از حق تفسیر بهره‌مند شود و هم از برجام خارج شده و قطع‌نامه ۲۲۳۱ را به‌نوعی به رسمیت نشناخته است. به هر جهت اروپا نباید از ایران دور شود و نگرانی اروپا شاید از زمانی شروع شد که چند سال پیش اظهار شد اکنون برد موشک‌های ایران به اروپا می‌رسد و این مبانی حساسیت اروپا درباره حفظ امنیت خود شد. درحالی‌که هیچ‌کس در ایران قصد و نظر منفی در برابر اروپا ندارد. پیشنهاد می‌شود ایران درباره نیات خود در این قیبل امور بیشتر با اروپا، روسیه و چین به تبادل نظر بپردازد که این کشورها ناگهان غافلگیر نشوند.

«ناماینده پیشین ایران در مقراروپایی سازمان ملل

همای دادگستر

او در زمانی بر این جایگاه دست یافت که ایران درگیر منازعات سهمگین داخلی در دولت دهم بود که مایل نیستیم به آن روزه‌های دلپره‌آور در دولت دهم – حد فاصل سال‌های ۸۸ تا ۹۲ – حتی اشاره کنم.

اما چرا ما امثال هما داودی‌ها را نمی‌بینیم؟ چرا یادمان می‌رود که بانوایی مانند نسرين مصفا، فريده غيرت، لعيا جنیدی، نوال نزاری، نسرین مهرا، شها معظمی و بسیاری همچون آنها نیز هستند که با توانایی‌های کم‌نظیری که دارند، می‌توانند به نظام حقوقی ایران خدمت کنند؟ شاید پاسخ این سؤال در ساختار فرهنگی و اجتماعی مردسالارانه ایرانی نهفته است. یادمان نرود وقتی در سال ۱۳۳۵ دکتر مهرانگیز منوچهریان از رساله دکتری خود با موضوع برابری جنسیتی در قانون مدنی دفاع می‌کرد، فقط ۱۳ بانوی ایرانی به دانشکده حقوق راه یافته بودند. او اولین بانوی ایرانی بود که پروانه وکالت دادگستری گرفت و اولین دساتور زن در تاریخ ایران بود. آنچه امثال منوچهریان از آن سال‌های دور به آن اهتمام کردند، چراغ راه و نور هدایتی شد برای ارتقای جایگاه بانوان شایسته ایرانی که اکنون با همت فرهیختگانی همچون هما داودی آهسته و پیوسته می‌رود تا به شاهرهای از پیروان راه انسانیت تبدیل شود.

همچنین به یادمان می‌آید که به عشق دهی/ کافرَم گر جوی زیان بین جان‌گذازی اگر به آتش عشق/ عشق را کیمیا جان بینی (هاتف اصفهانی)

ادامه از صفحه ۴

باتلاقی برای اصلاح‌طلبان؟

موضوعی که با تغییر مدیریت تدوین برنامه سوم شهرداری تهران از شهرداری، عقیم ماند و امروزه شنیده می‌شود که حتی دوستانی که از موضوع مطلع بودند، آن را نادیده گرفته، سخن به بی‌توجهی به این موضوع در برنامه سوم رانده و متأسفانه به سمت روش‌ها و رویکردهای پیشین می‌روند. کسب درآمد به هر طریقی، گرآن‌کردن شهر تهران (یکی از نمایندگان شورای محترم شهر تهران به‌شدت دنبال این موضوع هستند) و… جایگزین این رویکردها شده است.

۱۱- شفافیت، اصل اساسی کاهش هزینه و مدیریت هزینه است. شفافیت صرفاً برای کاهش فساد در سیستم نیست؛ بلکه افزایش‌دهنده کارایی هزینه است. این موضوع یکی از مهم‌ترین ارکان برنامه سوم مد نظر ما بود. هرچند شاید دلیل اصلی بی‌توجهی به سمت هزینه‌ها و تمرکز بر کسب درآمد به هر طریقی، دقیقاً همین موضوع باشد.